



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

امریہ معروف

در نہضت حسینی

عباس گوٹری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امر به معروف در نهضت حسینی

نویسنده:

عباس کوثری

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	امر به معروف در نهضت حسینی
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	نهی از همکاری با ستمگران
۷	نهی از منکر در کاخ خلیفه ستمگر عباسی
۷	جلوگیری از شبهه پراکنی
۸	شیوه‌هایی از معصومین
۸	محبت و نرم‌خویی
۹	دوری از دشنام
۹	برخورد استدلالی و حکمت آمیز
۱۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

امر به معروف در نهضت حسینی

مشخصات کتاب

عنوان: امر به معروف در نهضت حسینی (ع)

پدیدآورندگان: امام سوم حسین بن علی (ع) (توصیف گر)

عباس کوثری (پدیدآور)

وضعیت نشر: قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

توصیفگر: امر به معروف

قیام عاشورا

مقدمه

زائر در سفر معنوی زیارت به دیدار آمران به معروف و الگوهای نهی از منکر می‌رود و گامهای بلند آنان در جهت پاسداری از ارزشها را یادآور می‌شود. از این مقال به نمونه‌هایی از «معروف‌گرایی» و «منکرستیزی از درسهای «مکتب زیارت آشنا می‌شویم. امام حسین (ع) در بیان هدف خودش از نهضت الهی و عظیم عاشورا از امر به معروف و نهی از منکر یاد می‌کند و می‌فرماید: و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی ارید ان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر: من بدین هدف (از مدینه) بیرون آمدم که امت جد خویش را اصلاح نمایم و تصمیم دارم امر به معروف و نهی از منکر کنم. جهت معرفی امر به معروف و نهی از منکر به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم.

نهی از همکاری با ستمگران

۱. امام صادق (ع) به یکی از شیعیان خود به نام «عذافر» فرمود: بلغنی انک تعامل «ابا ایوب و «ابا الربیع فما حالک اذا نودی بک فی اعوان الظلمه: به من اینگونه خیر رسیده که با «ابی ایوب و «ابا الربیع همکاری می‌کنی! حالت چگونه خواهد بود اگر تو را در قیامت در ردیف همکاران ظالمان صدا بزنند. چون «عذافر» چهره در هم کشید. حضرت فرمود: من تو را به چیزی ترساندم که خداوند مرا به او ترسانده است. ب. صفوان جمال از یاوران و اصحاب امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) شترهای خویش را به هارون اجاره می‌دهد و پس از اینکه خدمت حضرت می‌رسد با این کلمات مورد عتاب قرار می‌گیرد که «کل شیء منک حسن جمیل ما خلا شیئا واحدا» همه کارهای تو نیکوست مگر یکی از آنها. از حضرت می‌پرسد: فدایت شوم، کدامیک از کارها؟ امام می‌فرماید: کرایه دادن شترهایت به هارون الرشید! عرضه می‌دارد به خدا قسم که من فقط آنها را برای رفتن او به مکه داده‌ام بدون اینکه حتی خودم به همراه او باشم. حضرت می‌فرماید: آیا دوست داری آنها تا هنگام پرداخت کرایه شترانت زنده بمانند؟ می‌گوید: بلی! امام می‌فرماید: «من احب بقائهم فهو منهم و من کان منهم کان وروده علی النار» هر کس زنده بودن آنها را دوست بدارد از آنها خواهد

بود و همراه آنها به آتش وارد خواهد شد. پس از فرمایش امام (ع) بود که صفوان به بهانه اینکه پیر شده است و توان اداره شتران خویش را ندارد تمامی آنها را فروخت.

نهی از منکر در کاخ خلیفه ستمگر عباسی

نزد متوکل خلیفه عباسی از امام علی النقی (ع) شکایت کردند که قصد شورش علیه حکومت تو را دارد. از این رو دستور داد شبانه امام (ع) را نزد او بیاورند. متوکل چون امام را دید احترام کرد و آن حضرت را در کنار خود نشانید، سپس جام شرابی را به امام تعارف کرد! حضرت سوگند یاد کرد که گوشت و خون من با چنین چیزی آمیخته نشده است، مرا معاف دار. او دست برداشت و گفت شعری بخوان. حضرت فرمود: من چندان از شعر بهره‌ای ندارم. متوکل گفت: چاره‌ای از آن نیست. امام اشعاری خواند که ترجمه آن چنین است: زمامداران جهانخوار و مقتدر بر قله کوهسارها شب را به روز درآوردند در حالی که مردان نیرومند از آنان پاسداری می‌کردند ولی قله‌ها نتوانستند آنان را از خطر مرگ برهانند. آنان پس از مدتها عزت از جایگاههای امن به زیر کشیده شدند و در گودالها و گورها جایشان دادند. چه منزل و آرامگاه ناپسندی! پس از آنکه به خاک سپرده شدند فریاد گری فریاد برآورد کجاست آن دستبندها و تاجها و لباسهای فاخر؟ کجاست آن چهرهای در ناز و نعمت پرورش یافته که به احترامشان پرده‌ها می‌آویختند؟ گور به جای آن پاسخ دهد: اکنون کرمها بر سر خوردن آن چهره‌ها با هم می‌ستیزند. آنان مدت درازی در دنیا خوردند و آشامیدند ولی امروز آنان که خورنده همه چیز بودند خود خوراک حشرات و کرمهای گور شده‌اند. چه خانه‌هایی ساختند تا آنان را از گزند روزگار حفظ کنند ولی سرانجام پس از مدتی این خانه‌ها و خانواده‌ها را ترک گفته به خانه گور شتافتند. چه اموال و ذخایری انبار کردند ولی همه آنها را ترک گفته رفتند و آنها را برای دشمنان خود واگذاشتند خانه‌ها و کاخهای آباد آنان به ویرانه تبدیل شد و ساکنان آنها به سوی گورهای تاریک شتافتند. متوکل از شنیدن این اشعار گریست به اندازه‌ای که از اشک چشمش ریشش تر شد و جام شراب را بر زمین زد و بساط عیاشی و هرزگی‌اش برچیده شد.

جلوگیری از شبهه پراکنی

اسحاق کندی که از فلاسفه عراق به شمار می‌آمد در زمان خود تالیف کتابی به نام «تناقضات قرآن را آغاز کرد. او مدت‌های زیادی در منزل نشسته و خود را به نوشتن آن کتاب مشغول ساخته بود. تا آنکه یکی از شاگردان او به خدمت حضرت امام حسن عسکری (ع) رسید. حضرت به او فرمود: آیا در میان شما مردی رشید وجود ندارد که استادان کندی را از کارش باز داشته برگرداند. شاگرد گفت: ما شاگرد او هستیم و نمی‌توانیم به اشتباه او اعتراض کنیم. امام فرمود: اگر مطالبی به تو تفهیم شود می‌توانی به او برسانی؟ گفت: آری. امام فرمود: از اینجا که برگشتی با او به لطف و مدارا رفتار کن و هنگامی که کاملاً با او انس گرفتی به او بگو مساله‌ای به نظرم رسیده می‌خواهم آن را از تو پرسم و آن این است که: آیا ممکن است گوینده قرآن از گفتار خود، معنایی غیر از آنچه تو گمان کرده‌ای اراده کرده باشد؟ او در پاسخ خواهد گفت: بلی ممکن است زیرا که او مرد باهوشی است. پس به او بگو شما چه می‌دانید شاید گوینده قرآن معانی دیگری غیر از آنچه تو برای آن حدس زده‌ای اراده کرده باشد. شاگرد به نزد کندی رفت و طبق دستور امام سؤال را مطرح کرد. فیلسوف با کمال دقت به سؤال شاگرد گوش داد و گفت سؤال خود را تکرار کن. او سؤال را تکرار نمود. استاد فکری کرد و گفت: بلی امکان دارد که چیزی در ذهن گوینده سخن باشد که شنونده، خلاف آن را فهمیده باشد. استاد که سؤال فوق را دقیق یافت رو به شاگرد کرد و گفت: قسم می‌دهم تو را که بگویی این سؤال را از کجا آموختی؟ شاگرد گفت: همین طور به ذهنم خطور کرد. کندی گفت: این کلامی نیست که از مانند تو صادر شود. به من بگو از کجا آن را یاد گرفتی؟ شاگرد گفت: امام حسن عسکری (ع) مرا به آن امر فرمود. کندی گفت: آری این مطالب فقط بر قامت این

خاندان زیندگی دارد. سپس دستور داد آتشی روشن کنند و تمام آنچه در این باره تالیف کرده بود سوزانید. در زیارتنامه‌های معصومین (علیهم السلام) امر به معروف و نهی از منکر یکی از شاخص‌های اساسی و مهم زندگی آنها به شمار آمده است. چنانکه در زیارت جامعه آمده است «وامرتم بالمعروف و نهیتم عن المنکر و جاهدتم فی الله حق جهاده حتی اعلتتم و بینتم فرائضه: امر به معروف و نهی از منکر نمودید و حق جهاد را در دین خدا بجا آوردید تا آنکه دعوت الهی را آشکار ساخته، واجباتش را بیان نمودید. نیز در زیارت امام حسین (ع) در حرم امیرالمؤمنین (ع) می‌خوانیم: «وامرت بالمعروف و نهیتم عن المنکر و تلوت الکتاب حق تلاوته: امر به معروف و نهی از منکر نمودی و قرآن را چنانکه شایسته است خواندی. اما آنچه در این مساله اهمیت ویژه دارد شناخت شیوه‌هایی است که معصومین (علیهم السلام) به منظور به کار بستن این دو فریضه مهم یعنی امر به معروف و نهی از منکر انجام می‌دادند، که باختصار به چند مورد آن اشاره می‌کنیم.

شیوه‌هایی از معصومین

محبت و نرمخویی

زمانی که حضرت موسی به همراهی برادرش هارون ماموریت می‌یابد که به سوی فرعون حرکت کند و او را به توحید فرا خواند شیوه و دستورالعمل الهی برای آنها این گونه مقرر می‌شود: «و قولا له قولا لینا لعله یتذکر او یخشی: با فرعون به نرمی سخن گوید شاید به یاد خدا افتد و ترس خدا را پیشه کند. یکی از عوامل مهم موفقیت رسول گرامی اسلام نیز محبت و نرمخویی آن حضرت به شمار آمده است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «و لو کنت فظا غلیظ القلب لانفضوا من حولک: اگر تندخو و سخت‌دل بودی مردم از گرد تو متفرق می‌شدند. و درباره آن حضرت نقل شده است: به هنگامی که یکی از کافران با تندی به آن بزرگوار پرخاش کرد اصحاب تصمیم گرفتند با او به ستیز و نزاع برخیزند و حضرت آنها را نهی کرد و خود نسبت به آن مرد کافر محبت فراوان نمود و با خوشرویی از او استقبال کرد به حدی که آن فرد تحت تاثیر الطاف آن حضرت قرار گرفت و اسلام آورد. سپس حضرت رو به اصحاب خود فرمود: مثل من و شما همانند فردی است که شترش سرکش شده باشد و هر یک از مردم به آن شتر نهیبی زنند و آن شتر وحشی‌تر شود. اما صاحب شتر می‌گوید من خود آشناترم، اجازه دهید خودم او را رام می‌کنم. و سپس صاحب آن او را رام می‌کند. چنانکه دیدید که این فرد رام شد و اسلام را انتخاب نمود. نمونه دوم: فردی از اهل شام که نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت دشمنی دیرینه داشت به مدینه می‌آید و به امام حسن و پدرش (علیهما السلام) اهانت می‌کند. امام حسن (ع) با خوشرویی و کلمات ملاطفت‌آمیز با او برخورد می‌کند. شامی که خود را در مقابل اقیانوسی از بزرگواری و فضیلت مشاهده می‌کند، می‌گوید: پیش از آنکه تو را ملاقات کنم تو و پدرت دشمن‌ترین مردم نزد من بودید و اکنون محبوب‌ترین فرد نزد من هستید. و بدین ترتیب در ردیف دوستان و معتقدان خاندان پیامبر قرار گرفت. نمونه چهارم: زهیر بن قین از افرادی بود که دوست نمی‌داشت با امام حسین (ع) روبرو شود. همراهان او می‌گویند ما جمعی بودیم که به هنگام مراجعت از مکه وقتی در بین راه به امام حسین می‌رسیدیم از او کناره می‌گرفتیم زیرا که حرکت به همراهی حضرت ناخوشایندمان بود. در یکی از منازل بین راه مجبور به ماندن در محلی شدیم که امام حسین (ع) نیز در آنجا بود. امام قاصدی را به سوی زهیر روانه کرد و از او خواست که با حضرت ملاقات کند. زهیر به خدمت حضرت رفت و زمانی نگذشت که شاد و خرم با چهره‌ای برافروخته برگشت و دستور داد که خیمه او را نزدیک سراپرده حضرت نصب کنند. بدین گونه بود که با برخورد نیک امام حسین (ع) در ردیف شهدای کربلا قرار گرفت. نمونه پنجم: وقتی که مردی نصرانی به امام باقر (ع) جسارت فراوان می‌کند حضرت به او می‌فرماید: «ان کنت صدقت غفر الله لها و ان کنت کذبت غفر الله لک: اگر آنچه گفستی راست است خداوند از کرده مادر من درگذرد و اگر دروغ می‌گویی خدای تو را بیامرزد. راوی اضافه

می‌کند: چون مرد نصرانی این بردباری و بزرگواری را که از حوصله بشر بیرون است دید و پشیمان شد و مسلمانی اختیار کرد.

دوری از دشنام

قرآن، کلام زیبای حق است و پیروان خویش را دعوت کرده است که با مردم به نیکی سخن بگویند «و قولوا للناس حسنا» و از اینکه حتی به کافران دشنام داده شود نهی کرده است. چنانکه می‌فرماید: «ولا تسبوا الذین یدعون من دون الله فیسبوا الله عدوا بغير علم: به آنان که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید تا مبادا آنها از روی جهالت خدا را دشنام دهند. گویا امیرمؤمنان (ع) به هنگامی که مشاهده می‌کند یکی از اصحابش به سپاه معاویه دشنام می‌دهد، می‌فرماید: «انی اکره ان تکنوا سباین: من دوست ندارم که شما دشنام دهنده باشید. و در یکی از نقلها آمده است که به حجر بن عدی و عمرو بن حمق فرمود: «کرهت ان تکنوا لعانین شتامین... و لکن لو وصفتم مساوی اعمالهم فقلتم من سیرتهم کذا و کذا و من اعمالهم کذا و کذا کان اصوب فی القول. ناخوشایند است برای من که شما را دشنامگر بینم ولی اگر اعمال بد و سیره ناپسند آنها را بیان کنید بهتر خواهد بود. آن دو گفتند: ای امیرمؤمنان، ما موعظه‌ات را به جان و دل پذیراییم و خود را با آدابی که به ما می‌آموزی مؤدب خواهیم ساخت. به همین سبب بود که امام صادق (ع) دوستی چندین ساله خویش را با فردی که به غلام و خدمتگزارش فحش و ناسزا گفت، قطع نمود.

برخورد استدلالی و حکمت آمیز

اساس دعوت پیامبران الهی را حکمت تشکیل می‌دهد. آن بزرگواران به هنگام برخورد با کافران و ملحدان محکم‌ترین استدلالها را بیان می‌کردند نمونه‌هایی از آن را قرآن کریم در داستان ابراهیم (ع) و برخورد آن حضرت با ستاره پرستان و معتقدان به الوهیت خورشید و ماه بیان نموده است. و بر این اساس است که تعلیم و آموزش حکمت یکی از فلسفه‌های بعثت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله به شمار آمده است چنانکه در سوره جمعه می‌خوانیم: «هو الذی بعث فی الاممین رسولا منهم یتلوا علیهم آیات و یرکبهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه: اوست خدایی که میان مردمان درس نیاموخته پیغمبری از خود آنها برانگیخت تا بر آنان آیات وحی خدا را تلاوت کند و آنها را پاکیزه سازد و به آنها کتاب و حکمت آموزش دهد. و در پی همین هدف است که پیامبر گرامی اسلام (ص) از سوی خداوند ماموریت می‌یابد که: «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه: مردم را به راه پروردگارت بر اساس حکمت و پندهای نیک دعوت کن. تاریخ زندگی آن حضرت تجسم صفحات زرینی از این گونه رفتارهاست به طوری که این امر مورد اعتراف مخاطبان آن حضرت قرار می‌گرفت و بر همین اساس به اسلام می‌گرویدند. در یکی از نقلها آمده است هر موقع پیامبر اکرم متوجه می‌شد که شخصیتی از عرب وارد مکه شده است با او تماس می‌گرفت و آیین خود را به وی عرضه می‌داشت. روزی شنید که «سوید بن صامت وارد مکه شده است. فوراً با او ملاقات نمود و حقایق نورانی آیین خود را برای او تشریح کرد. وی گفت شاید این حقایق همان حکمت لقمان است که البته من هم می‌دانم. حضرت فرمود: گفته‌های لقمان نیکوست ولی آنچه خدا بر من نازل فرموده است بهتر و بالاتر است زیرا آن مشعل هدایت و نورافکن فروزانی است. سپس حضرت آیاتی چند برای او خواند و وی نیز آیین اسلام را پذیرفت. اصولاً احتجاجات و استدلالهای معصومین (علیهم السلام) با مذاهب و مکاتب مختلف نمونه خوبی از برخوردهای حکمت آمیز می‌باشد که کتاب «احتجاج مرحوم طبرسی و کتابهایی از این قبیل، آینه‌ای از این نوع برخوردهاست. اینکه امام رضا (ع) به (عالم آل محمد ص) لقب یافته است همین احتجاجات و برخوردهای استدلالی و کلامی آن حضرت یا ادیان و مکاتب گوناگون بوده است زیرا این زمینه برای آن بزرگوار بیش از معصومین دیگر فراهم بوده است. در خاتمه به اعتراف یکی از منکران توحید به نام ابن ابی العوجاء که درباره برخوردهای حکمت آمیز امام صادق (ع) ذکر نموده است می‌پردازیم. مفضل در مقدمه کتاب خود (توحید) می‌گوید در یکی از روزها در مسجد پیامبر (ص) به ابن ابی العوجاء

برخوردم در حالی که سخنان کفرآمیزی بر زبان می‌راند. از شدت خشم نتوانستم خودداری کنم و گفتم ای دشمن خدا، ملحد شدی و پروردگاری که تو را به نیکوترین ترکیب آفریده و از حالات گوناگون گذرانده انکار کردی...! ابن ابی العوجاء گفت: ای مرد اگر تو از متکلمانی با تو به روش آنان سخن بگویم. و اگر از یاران جعفر بن محمد صادق هستی او خود با ما چنین سخن نمی‌گوید. او از سخنان ما بیش از آنچه تو شنیدی بارها شنیده ولی دشنام نداده است و در بحث بین ما و او از حد و ادب بیرون نرفته است. او بردبار و آرام و متین و خردمند است و هرگز خشم و سفاهت بر او چیره نمی‌شود. سخنان و دلایل ما را می‌شنود تا آنکه هر چه در دل داریم به زبان می‌آوریم. گمان می‌کنیم بر او پیروز شده‌ایم آنگاه با کمترین سخن دلایل ما را باطل می‌سازد و با کوتاهترین کلام حجت را بر ما تمام می‌کند چنان که نمی‌توانیم پاسخ دهیم. اینک اگر تو از پیروان او هستی چنانکه شایسته اوست با ما سخن بگو. و بر این مبناست که در زیارتنامه معصومین (علیهم السلام) می‌خوانیم: «و نصحتم له فی السر و العلانیة و دعوتم الی سبیلہ بالحکمة و الموعظة الحسنه و بذلتم انفسکم فی مرضاته : به خاطر خدا مردم را در پنهان و آشکار نصیحت کردید و به راه حق یا برهان و حکمت و پند و موعظه نیکو دعوت کردید و در راه خشنودی خدا از جان خود گذشتید.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
 و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
 ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۰۰۰
 ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

